

یک فرصت مناسب^۱

منبع: ده ایکنومیست ۹ تا ۱۵ فبروری ۲۰۱۳

برگردان به فارسی: مسعود اندیشمند

نشانه های از همکاری پاکستان به صلح در افغانستان:

پرویز مشرف، رئیس جمهور پیشین پاکستان بی میلی و نفرت خود را در مورد همتای افغان خود حامد کرزی پس از مدتی آشکارا ساخته بود؛ این احساس احتمالاً دو جانبه بوده است. مدت زیادی است که پاکستان میزبانی شبه نظامیانی که حملات مرزی را در افغانستان انجام می دهند و همچنان میزبانی رهبران ارشد شورشیان طالب را بدوش دارد. جنگی را که دولت افغانستان با مشارکت ۱۳۰۰۰۰ نظامیان ناتو در مقابل شورشیانی مورد حمایت پاکستان براه انداخت، در نتیجه این سیاست پاکستان بدون پیروزی باقی ماند. پاکستان تلاش های مذاکرات صلح دولت افغانستان را با طالبان مختل ساخت.

در مقابل، به نظر میرسد که جانشین آقای مشرف، آصف علی زرداری، در وجود کرزی بهترین دوست خود را پیدا کرده باشد. این هفته در بریتانیا، این دو همتا با میزبان خود، دیوید کمرون، نخست وزیر بریتانیا، یک سکوی با هم خندیدند، دست هم را محکم فشردند و با هم قول دادند. آقای کمرون آن را یک "سطح بی سابقه ی همکاری" این دو همتا نام برد. آنها حتی با هم موافقت نمودند تا در راستای یک توافق صلح با طالبان در شش ماه آینده همکاری کنند. این نشان دهنده ی یک تغییری در راهبرد پاکستان عمیقتر از آن است که توضیح آن را در شخصیت لینت آور آقای زرداری دریافت نمود.

امید برای صلح در شش ماه آینده رویایی بنظر میرسد. اما حد اقل پاکستان یک ژست کلانی بسوی "آشتی گری" در افغانستان را نشان داد. در نوامبر سال گذشته اعضای شورای عالی صلح افغانستان از اسلام آباد بازدید نمودند. پاکستان ۲۰ زندانی طالبان افغانی را آزاد کرد، و یک "نقشه راه" ترتیب داده شده بود - که بعد تر آشکار شد^۱. این به پاکستان یک نقش مرکزی در آوردن طالبان به میز مذاکره بخشید، که قرار است در دوحه (قطر) برگزار گردد. یک فرآیند فراگیرنده ی صلح در حال حاضر یک چشم انداز واقع بینانه تری از هر زمانی دیگر پس از راندن طالبان از شهر کابل در سال ۲۰۰۱ است.

سالهای متمادی ستیزه جویی، عدم اعتماد متقابل و تلفات (در اثر حملات انتحاری و بمگذاری ها) روابط پاکستان با امریکا و دولت افغانستان را در سال ۲۰۱۱ به پایین ترین سطح رسانده بود. با این وجود اهداف نهایی پاکستان در افغانستان از هم پیمانش ناتو متفاوت نیست. پاکستان هیچ علاقه مند یک جنگ بی پایانی که قربانیان آن سربازان و

غیرنظامیان خود آن مملکت اند، نیست. تنها یک گروه کوچک منزوی افراطی و چند "واقع‌گرایان" گمراه با یک راهبرد آرزوی بازگشت طالبان بر قدرت در کابل را دارند: که درینصورت خواهان تقویه طالبان پاکستانی اند، و هدف این گروه یک حکومت سکولار در پاکستان است. و همچنان این طرح آنها امیدی برای احیای یک "پشتونستان" جداگانه برای اقوام پشتون در هر دو طرف مرز پاکستان و افغانستان است، این مرزیکه توسط بریتانیا امضا گردیده بود (خط دیورند) هیچگاه توسط حکومت افغانستان رسماً پذیرفته نشده است. (اما این خط را که امیر عبدالرحمن در 1893 امضاء کرد، پسرش امیر حبیب‌الله در 1905 پذیرفت. نواسه اش امیر امان‌الله در 1919 و 1921 تأیید کرد. و محمدنادرشاه در 1933 بر آن مهر تأیید گذاشت. م)

آن چه که پاکستان را بر ضد متحدان خود (یعنی افغانستان در جنگ علیه طالبان و القاعده) راند وسواس بیش از حد با کشور هندوستان بوده است. و هدف پاکستان درینجا یک حکومتی در افغانستان است که همکاری اش با هند در کمترین حد باقی بماند و هم پیمان هند نباشد. هراس پاکستان از چنین یک اتحادی میان هند و افغانستان "محاصره‌ی" پاکستان تلقی میشود که آنرا از "عقبگاه استراتژیژیک" بی بهره میسازد. پاکستان همواره احساس نیاز به جلوگیری تهاجم هند را بر خاک خود داشته است. در بهترین حالت، حکومت آینده در افغانستان یک اداره فادار پاکستان خواهد بود. سرویس جاسوسی پاکستان آی‌اس‌آی در تشکیل جنبش طالبان که کابل را در سال ۱۹۹۶ گرفته بودند کمک کرده بود. به نظر میرسد که وابستگی‌های قومیتی پشتون‌ها، همراه با پیوند وفاداری و قیمومت که در طول این همه سالها شکل گرفته است، طالبان و دیگر جناح‌های افراطی، از جمله شبکه حقانی هم پیمانان طبیعی پاکستان در افغانستان باشد. اکنون، پاکستان ممکن این تصمیم را گرفته باشد که اگر میخواهد یک حکومتی فراهم کند که بتواند آن را تحمل کند، درآنصورت مذاکره نسبت به جنگ طلبی بیشتر نوید دهنده است.

بنا به دلایل متعددی پشتیبانی ضمنی پیروزی طالبان برای پاکستان بهترین گزینه نخواهد بود. نخست اینکه این نوع پیروزی بعید خواهد بود. هر نوع حکومتی که در افغانستان بعد از ترک بسیاری از سربازان ناتو در سال ۲۰۱۴ شکل بگیرد احتمالاً قادر خواهد بود شهرهای کلان در شمال کشور را تحت کنترل خود نگه دارد. از جنوب و شرق دولت با شورشیان روبرو خواهد شد. اما یک جنگ بی پایان داخلی به ندرت به نفع پاکستان خواهد بود. دوم رشد طالبان پاکستانی، آن فرقه‌ای که در سال ۲۰۰۹ از منطقه‌ی سوات پاکستان رانده شده بودند، و از آن زمان به بعد در شرق افغانستان جایگزین شده اند که در سراسر مرز برای راه اندازی حملات کار میکنند. طالبان افغانستان بعید است که آنها را مهار کنند.

روابط بهبود یافته‌ی پاکستان با هند و امریکا ممکن که در روند گفتگو بین دو کشور کمک کرده باشد. به احتمال زیاد بعد از شکستن

آتشبس در ماه گذشته در مناطق مرزی مورد مناقشه کشمیر انتظار وخیم شدن روابط بین دو کشور میرفت. سه سرباز پاکستانی و دوسرباز هندوستانی کشته شده بودند؛ اجساد سربازهای هندوستانی مثله شده بودند. اما این امر تا هنوز منجر به فروپاشی روابط بین دو کشور نگردیده است. و بحرانیکه در روابط بین پاکستان و امریکا ایجاد شد که منجر به بسته شدن مرز افغانستان (توسط پاکستان) به کامیون های ناتو گردیده بود، حالا با گشایش مرز بروی کامیونهای ناتو، بحران روابط بین امریکا و پاکستان تخفیف یافته است. پاکستان در وجود جان کربان یک وزیر امور خارجه ای را می بینند که رهبران شان از وی شناسایی دارند و از طریق وی امیدوارند که کمک های مستمر امریکا به پاکستان ادامه بیابد.

ناظران افغان محدودیت های آقای زرداری را میدانند. با اینهمه احتمالاً وی اولین رهبر ملکی پاکستان باشد که توسط یک شهروند دیگر پس از یک دوره ی کامل پنج ساله جایگزین گردد، وی قیمت آنرا با گذاشتن ارتش برای اجرای سیاست امنیتی پرداخته است. همینطور دلگرم کننده ترین جنبه ی مذاکرات در بریتانیا این بود که سران هردو، ارتش پاکستان و آی اس آی در آنجا حضور داشتند. با حضور این دو مقام پاکستانی این حقیقت را نمیتوان رد کرد که اینها با عناصری از حملات توسط نیروهای مسلح و یا گروه های تروریستی که بخاطر تحریک علیه هند، افغانستان و یا ناتو طراحی کرده بودند، روابط خود را حفظ کرده اند. تروریست ها همداستان خطرناکی اند که بطور کامل تحت کنترل حامیان شان نیست.

وقتی وضعیت بحرانی است

با این حال این استدلال همچنان در برابر طالبان افغانی که سخنگوییشان از گفتگوها در بریتانیا را بشدت انتقاد کرد هم صدق میکند. مهمترین پرسش در حال حاضر پیرامون گفتگو ها این است که آیا پاکستان واقعاً قادر خواهد بود که آنها(طالبان) را به پای میز مذاکرات بکشاند؟ این کشور برخی از رهبران طالبان را که یکی آنها شکایت از سالهای شکنجه را که متحمل شده است مینمود (در کامنتی بعداً از آن انکار کرد) را زندانی کرده بود. رهبران ناتو مدتی است که ادعا دارند که برخی چهره های پیشتاز طالبان به ظاهر آزادانه زندگی میکنند ولی در واقع گروگان بودند. نمیتوانستند به خانه ی خود برگردند اگرچه آنها خود میخواستند که به افغانستان برگردند. پاکستان نشان داده است که بدون همکاری آن کشور، جنگ در افغانستان هرگز پایان نخواهد یافت. پاکستان هنوز باید ثابت کند که این کشور توانایی آوردن صلح را دارد.

www.goftaman.com

یادداشت‌ها و
منابع

ⁱ <http://www.economist.com/news/asia/21571436-pakistani-co-operation-hints-peace-afghanistan-decent-interval>

ⁱⁱ لینک سند فاش شده

http://www.foreignpolicy.com/files/121213_Peace_Process_Roadmap_to_2015.pdf